

ساکنان کاخ شیشه‌ای!

فرای آثار نظامی و اقتصادی حمله به پالایشگاه نفتی سعودی این عملیات از حیث محتوا برخوردار از هوشمندی بالائی بود تا حدی که بخوبی توانست اهدافی فرای پالایشگاه «بقیق» را در عمق استراتژیک ریاض، مورد اصابت قرار دهد.

در مقام تشبیه کروزهای اصابت کرده به پایانه آمریکائی «آرامکو» حکم تدبیر حاذقانه حکیمی را داشت که در «گلستان» بیتابی غلام در کشتی و وحشت وی از دریا را با افکندش در مهیب و نهیب خروشان دریا تشفی داد و غلام مصیبت دیده در بازگشت به کشتی «آرام گرفت» و بصرافت افتاد که:

قدر عافیت آنی داند که به مصیبتی گرفتار آید.

ریاض تا قبل از حملات ۱۴ سپتامبر بدون توجه و تفتن به شدت آسیب‌پذیری‌اش از یک جنگ محتمل در منطقه، به لطائف الحیل می‌کوشید تا واشنگتن را ترغیب و تشجیع به جنگ نیابتی با ایران کند.

مالیخولیای آل‌سعود این امکان را به ایشان نمود تا بفهمند بر فرض ورود مستقیم ارتش ایالات متحده به جنگ با ایران باز هم این عربستان است که بمثابه گوشت مقابل توپ بهترین و نزدیک‌ترین و در دسترس‌ترین هدف در جنگ مفروض است و تاسیسات و تجهیزات و تمهیدات‌اش، خوش‌دست‌ترین هدف کم‌هزینه برای کروزهای از نوع عملیات ۱۴ سپتامبر خواهند بود!

عملیات ۱۴ سپتامبر و عمق استراتژیک مورد اصابت قرار گرفته در این عملیات قبل از «بقیق» و «خریص» فاهمه دولتمردان ریاض را مورد اصابت قرار داد و با صراحت و شفافیت به ایشان فهماند:

آنرا که خانه «نئین» است بازی نه این است! و آنانکه در کاخ شیشه‌ای نشسته‌اند و جبروت‌شان با سنگریزه‌ای می‌شکند عقلاً و قهراً بیشتر موظفند از تنش احتراز جویند. ولو آنکه دلخوش به استتار فتوری و زبونی خود پشت قوای مسلحه مهتران آمریکائی‌شان باشند!

لکن اولیه و چند روزه حکام سعودی در فردای عملیات ۱۴ سپتامبر را باید ناشی از شوک و غافلگیری ریاض تلقی کرد که فهمید در جنگی مفروض با ایران ولو آنکه ریاض‌شان در کنف حمایت «ترامپ» نیز باشد علی‌ایحال هزینه اصلی و خسارت قطعی بر عهده و ذمه حکومتی است که مجبور است با ایران همسایه باشد! و اگر مختصر عقلی در مخیله سعودی باقی مانده در آنصورت می‌بایست غلامانه گوشه‌نشینی در کشتی عافیت «همزیستی مسالمت‌آمیز» با ایران را وجه همت خود قرار دهند! هر چند دولتمردان سعودی هنوز هم تا آن اندازه ذکاوت ندارند تا

بفهمند:

ترامپ مرد جنگ نیست و به تعبیر خودش تخصصش دوشیدن پستان گاوهای
شیرده کاخهای شیشه ای سعودی است!

...

#داریوش سجادی

حمله پهپادی یمنی ها و نا بودی ال سعود

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/09/video_2019_9_16-19_15_27_474_hIN.mp4

نا بودی عربستان

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/09/video_2019_9_16-16_4_1_20_668_llc.mp4

شیطانیزم ایرانی!

حجت الاسلام علیرضا پناهیان در سخنرانی پیش از خطبه های نماز جمعه
تهران ابراز داشتند:

اختلاف نظر در جامعه اسلامی باعث برکت است اما دوقطبی کردن جامعه
رفتار منافقانه است و در جامعه ما هم سالها است که شکل گرفته ...

دو قطبی سازی باعث ایجاد دیکتاتوری رسانه‌ای می شود و شایسته سالاری از بین می رود. خدا لعنت کند کسانی را که به دو قطبی سازی دامن می زنند و همه را متهم و منتسب به یک جناح می دانند. این لعنتی‌ها اجازه نمی دهند جامعه به پیش برود. صهیونیست‌ها این دو قطبی سازی را در اکثر کشورها ایجاد کردند.

...

دو قطبی‌سازی سنتی است سیئه در مناسبات رفتاری ایرانیان که هر چند به درستی توسط پناهیان نشانه‌گذاری شده اما توسط ایشان به خوبی آسیب‌شناسی نشده.

برخلاف باور پناهیان دو قطبی‌سازی در ایران امری است متقدم و ربطی به فتنه‌گری صهیونیست‌ها نداشته و خاستگاه‌اش برگرفته از منطق باینری است.

منطق باینری یا «صفر و یکی» مستحکم‌ترین سازه استدلالی در حوزه گزاره‌های ابطال‌ناپذیر (قطعیت‌ها) است هم چنان که همین منطق از آن درجه از استعداد برخوردار است تا با ورودش به جهان گزاره‌های ابطال‌پذیر (نسبیت‌ها) مبدل به مخرب‌ترین و مناقشه‌آمیزترین استنتاجات منطقی شود.

مخرب‌ترین کاربرد منطق باینری زمانی است که این منطق «سترونا» با یک شیفت گفتمانی از جهان آنتولوژی یا بودشناسانه Ontology به جهان آگزپولوژی یا ارزش‌شناسانه Axiology میان‌بُزر زده و جا علانه از «بودها» اخذ استنتاجات ارزش داورانه کند.

ریزش منطق باینری از جهان گزاره‌های ابطال‌ناپذیر به جهان گزاره‌های ابطال‌پذیر ریزشی است که محصولش نامحدود تلقی شدن پدیده‌های محدود، خواهد بود.

خط فاحش در چنین شیفت گفتمانی آنجاست که علیرغم معسور بودن جهان «هست‌ها» لیکن در نگاه ارزش‌شناسانه «تفاوت» بین پدیده‌ها را مبنای «تبعیض» بین آن پدیده‌ها تلقی می کنند!

منطق باینری ناظر بر مفاهیم مطلق و گزاره‌های ابطال‌ناپذیر است. مفاهیمی همچون:

هستی یا عدم – صدق یا کذب – روشنائی یا عدم روشنائی – خدا یا غیرخدا – خیر یا شر

ریزش منطق باینری از حوزه آنتولوژی (بودشناسی) به ساحت آگزپولوژی (ارزش‌شناسی) را می توان گرانیگاه خلق و بسط «ایدئولوژی شیطان» محسوب کرد که طی آن شیطان تفاوت خود با انسان را و «بود» از «آتش خود» را ملاک تمایز و تفاخر و ارجحیت و ارشدیت و افضلیت و تَشَخُّص و تَكَبُّر خود بر «بود» از «خاک انسان» قرار می دهد.

قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَتَّخِذَ إِذًا مَّرْءًا تُكَلِّمُ □ قَالَ

أَنَّا خَيْرُ مِذَّةٍ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ

خدای متعال بدو (شیطان) فرمود:

چه چیز تو را مانع از سجده (آدم) شد که چون تو را امر کردم نافرمانی کردی؟ پاسخ داد که من از او بهترم، که مرا از آتش و او را از خاک آفریده‌ای. (آیه ۱۲ سوره اعراف)

در چنین بدآیندی، منطق شیطان ناظر بر «ارزشگذاری خویش‌گامانه» بر تفاوت‌های «هستی‌شناسانه» است.

ایدئولوژی که طی آن تفاوت‌های ذاتی و ریخت‌شناسانه Morphologic ملاک ارجحیت‌های ارزش‌داورانه قرار می‌گیرد و به تَبَع تَقَیْد به چنین تفرعنی است که «تفاوت» مبنای «تمایز» قرار گرفته، بدون التفات به آنکه تفاوت‌ها قاصر از آنند تا بتوانند مبنای تمایزها شوند.

سیاه و سفید، «فقیر و غنی»، «شهری و روستائی»، «باسواد و بی‌سواد»، «زن و مرد» هر چند متفاوتند اما چنین تفاوتی جز به اعتبار تنزه اخلاقی و پارسائی رفتاری، نمی‌تواند افاده معنای مزیت و فضیلت و برتری و تمایز و ارجحیت و ارشدیت یکی بر دیگری کند. ایرانیان به لحاظ تاریخی و به اقتضای آموزه‌های تحریف‌شده زرتشتی، آلوده‌ترین ملت‌ها به منطق باینری‌اند!

به اعتبار ابتلای ایرانیان به منطق باینری امکان ندارد پاسخ یک ایرانی به یک «پرسش مفروض» در قبال یک «انسان مفروض» مبنی بر آنکه «آقای ایکس چگونه انسانی است؟» بیرون از دو گانه «آدم خوبی است» یا «آدم بدی است» چیز دیگری باشد.

این تقریباً از محالات است چنانچه توقع شود یک ایرانی در پاسخ به پرسش فوق فرضاً بگوید:

آقای ایکس فردی خوش خُلق اما در عین حال کاهل است و هم چنان که آدمی راستگو است اما ضریب مسئولیت‌پذیری‌اش پائین است. از نظر روانی فردی برون‌گرا و خیر و اهل انفاق است. خانواده دوست و اجتماعی است اما در عین حال محافظه‌کار هم هست و ضریب ریسک‌پذیری‌اش پائین است. خوش لباس و خوش بیان و مبادی آداب است اما مناسباتش با خانواده پدرسالارانه است و در مناسبات اجتماعی رفیق باز و تفرج‌طلبند و غیره.

توقع شنیدن چنین پاسخی از یک ایرانی چیزی در حد محال است! برای چنین «ایرانی مفروضی» دادن پاسخ در «دو گانه باینری» بمراتب سهل‌تر و مقبول‌تر از آنست تا خود را در پاسخ‌های فسفرسوز کثیرالابعاد و ذو جنبتین معطل و معذب نماید!

برای چنین ایرانی مفروضی تنها دو گزینه محلی از اعراب دارد:

خوب یا بد
 انسان یا قدیس است یا ابلیس!
 یا اهورا است یا اهریمن!
 یا خیراست یا شر!
 یا درست است یا غلط!
 یا سیاه است یا سفید!
 یا فرشته است یا دیو!
 یا پاک است یا پلید!
 یا قهرمان است یا هیولا!
 یا راهبه است یا فاحشه!
 یا مدرن است یا سنتی!
 یا شهری است یا دهاتی!
 یا باشعور است یا بی شعور!
 یا باسواد است یا بیسواد!
 یا روشنفکر است یا مرتجع!
 یا آلامُد است یا اُمُل!
 یا دنیوی است یا اخروی!
 یا علمی است یا دینی!

از زمان حاکمیت منطق بایرنی در ناخودآگاه تاریخی غالب ایرانیان،
 یک دوگانه جعلی و آنتاگونیستی از «علم و دین» و «دنیا و آخرت» و
 «معنویت و مادیت» در ناصیه ایشان مهر شده که مبنای همه داوریه‌ها و
 دانائیه‌های ایشان قرار دارد!

آخرین و نقدترین و نزدیک‌ترین نمونه از چنین بدآیندی نزد ایرانیان
 را می‌توان در شهرآشوبی سال ۸۸ ملاحظه کرد که طرفین در بدخیم‌ترین
 حالت ممکن همه وجوه سرریز منطق بایرنی از جهان گزاره‌های ابطال
 ناپذیر به جهان گزاره‌های ابطال پذیر را توامان تجربه و عهده‌داری
 کردند!

خیزشی آپارتایدی که به اقتفای «منطق بایرنی» طرفین مدعی برتری و
 تفاخر «ذاتی خود» در مقابل کهتری و سفلگی ذاتی «طبقه مقابل خود»
 بودند و هستند!

شورش‌هایی که به اقتفای آلودگی محتوم‌شان به «ایدئولوژی شیطانی» جبراً
 و قهراً گریزی از این ثنویت تحمیلی و خودخواسته و خودساخته
 نداشته و ندارند تا «محمود احمدی‌نژاد» را عصاره همه رذائل و
 خباثت و سیئات و دنائات بفهمند و هم زمان «میرحسین موسوی» را
 شدآیندی از همه فضائل و محاسن و مکارم و مواهب موجود در جهان
 بشریت فهم و اقبال کنند! و هم زمان وارونه همین معادله در سوی
 دیگر جبهه برای «محمود قدیس» و «میرحسین ابلیس» هم‌آوردی و هل من

مبارزی می‌کرد و می‌کند!

ثنویت باینری نقطه مقابل وحدانیت مَدَنِشی و نِزاهت رَوَشی و طهارت بینشی در فاهمه قاطبه ایرانیان است که مَنجر به شیطان‌زدگی خُلُقِی و انانیت عمقی و فهم ذوقی ایشان از خود و خوشآیندها و ناخوشآیندهای سلیقه‌ای‌شان، شده است!

داریوش سجادی

قاتل سحر خدایاری کیست!؟

سحرخدایاری را باید نماینده نسلی تلقی کرد که در گنداب سیاست‌بازی و غرقآب ندانم‌کاری و تعفن ذائقه‌سازی‌های مهوع مشتی بندباز سیاسی کشته شد؟

سحرخدایاری را به کفایت می‌توان نماد و نماینده نسلی قلمداد کرد که لامحاله کم وزنی عقلی و بی‌وزنی هویتی خویش را چلیپاکشی می‌کنند! نسلی که در نقطه تباین با نسل دیروزی است که در دهه پنجاه برخلاف سحرخدایاری و هم‌ترازان سحرخدایاری دغدغه‌شان نشستن در استادیوم و جیغ زدن برای ۱۱ نفر مشنگ‌تر از خودشان نبود!

نسل دیروز اگر قهری داشت و قهرمانی

اگر دردی داشت و درمانی!

قهر و درد و قهرمان و درمان را از بطن مطالعات فلسفی و مکاشفات عقلی‌اش احصا و استحصال می‌کرد.

دغدغه‌های نسل من را فرانتس فانون و برتراند راسل و آندره ژید و مارسل پروست و جمیله بوپاشا و شریعتی و جلال و نهضت حسینی قیام عاشورا نشانه گذاری می‌کرد!

حتی خوانندگان نسل من ام‌کلثومی بود که در جنگ شش روزه آنچنان میتهجانه در بسیج سربازان مصری خواند که بعدها مناخیم بگین در توجیه قتل‌عام سفاکانه تلزعت‌ر گفت اگر ام‌کلثوم در ۶۷ آنچنان سربازان مصری را به وجد نمی‌آورد ما نیز در تلزعت‌ر آنچنان نمی‌کردیم!

نسلی که اگر هم خودزنی می‌کرد جان شیرین‌اش را فدیة آرمان‌های بلند آزادی و استقلال و مبارزه با استعمار و استبداد می‌کرد.

شوربختی است که با نسلی مواجه‌ایم که دغدغه‌اش فوتبال و نشستن در استادیومی شده که برون دادش مشتی الدنگ بی‌سواد و بد دهان‌اند که

کل افتخارات ملیشان با بلع میلیاردها تومان پول بی زبان، زنگ
تفریح شدن برای فوتبال باشگاه های حرفه ای جهان است!
نسلی که آنچنان مغزشوئی شده که سطح مطالباتش تا زوال نشستن در
استادیوم و جان دادن برای آن نشیمنگاه منحوس تنازل یافته!
ام‌کلثوم‌شان نیز ساسی مانکنی شده که جنتلمن است! و خانومش هم
جندرم! و آن روان‌پریش نیز قهرمان‌شان شده که از بطن دنیای
کالاانگاری به زن، کورعقلانه با بیرق روسری‌های سفید سحر را قربانی
نگاه جنسیتی به زنان در ایران قلمداد می‌کند.
سحر را شماتت نبایست کرد.
سحرها را به استادیوم راه ندهید
مردها را نیز به استادیوم راه ندهید
اساساً گِل بگیرد درب دنیای فوتبال ایران را که خروجی اش همه چیز
هست جز ورزش!
سحر را خدا داد اما فوتبال مبتذل و منحنی ایران و تنازل مطالبات
نسل جوان به چنین انحطاط و ابتدالی سحر و سحرهای بیشماری را از
ما گرفته و می‌گیرد.
کاش عدلیه ایران نیز قبل از دغدغه نشیمن‌گاه دخترکان ایران در
استادیوم کمی هم سودای ارتقای اندیشه و عقل و معرفت و شعور این
دخترکان را عهده داری می‌کرد!
#داریوش_سجادی

تحریم های اخیر امریکا علیه ایران

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/09/video_2019_9_4-15_29_8_857_Tly.mp4

تحریم دکتر ظریف

<http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/08/WhatsApp-Video-2019-08-04-at-19.10.24.mp4>

تحریم دکتر ظریف

چرا وزارت خزانه داری آمریکا ، دکتر ظریف را تحریم میکند؟ و اعمال این تحریم را بخاطر ارتباطش با رهبر ایران قلمداد میکند؟ این تحریم را از دو جنبه میتوانیم بررسی کنیم (۱) یک لایه بیرونی دارد که فقط جنجال رسانه ای و روانی قضیه است، که با نام بردن رهبر ایران؛ سعی در کاور کردن اصل ماجرا از سوی دولت جمهوری خواه امریکا است.

و اما (۲) لایه دوم که لایه درونی و اصل ماجراست اینست که؛ دولت ترامپ بخاطر رفتارهای اخیر غیر دیپلماسی دکتر ظریف بستوه آمده و از درجه تهدید به آن می نگرد و به همین دلیل او را در لیست تحریم قرار داده است.

زیرا دولت ترامپ معتقد است که دکتر ظریف مدتی در حال رایزنی و برگزاری جلسات خصوصی با دموکرات ها میباشد جهت تضعیف دولت ترامپ و با شگرد دولت سایه سعی میکند برای دولت آینده آمریکا که ممکن است دموکرات ها باشند وقت میخرد تا برجام و توافق هسته ای را احیا کند.

برای تحلیل موجود فکت های مهمی را ارائه میدهم: دکتر ظریف ۳_۴ بار با جان کری وزیر امور خارجه دولت دموکرات اوباما دیدار داشته است و ترامپ این دیدارها را غیر قانونی عنوان کرده است با توجه به قانون (لوگا) ؛ این قانون شهروندان عادی را از انجام دیپلماسی خارجی به نیابت از دولت امریکا منع میکند.

که در حال حاضر جان کری شهروند عادی امریکائی محسوب میشود. دوم اینکه در ۲ خرداد ۹۸ دکتر ظریف با خانم دایان فاینشتین سناتور دموکرات ایالت کالیفرنیا جلسه ای خصوصی و بدون هماهنگی های لازم داشته و کسی از محتوای جلسه خبر ندارد. پس خیلی ساده لوحانه است که باور کنیم دولت امریکا بخاطر ارتباط

او با رهبری ، اقدام به تحریم نموده است.
و از سوی دیگر ظریف با مظلوم نمایی و رسانه ای کردن نامه گلایه
آمیز به رهبر بخاطر سریال گاندو و سعی در بی اهمیت جلوه دادن
پرونده جیسون رضائیان میکند و خودش را گزینه سوخته مطرح میکند!
هر چند حافظه مردم ایران سریال گاندو را فراموش نخواهند کرد.
اما حقیقتا دکتر ظریف چکار میکند!؟!؟

پرستو مروجی

ترامپ یا دموکرات ها بهترین گزینه برای ایران کدامند؟

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/07/video_2019_7_29-16_4_1_55_484_v2k.mp4

احمدی نژاد و پرونده های اقتصادی

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/07/video_2019_7_27-15_15_37_873_rCa.mp4